

احراز ابلاغ در شیوه‌ی سنتی و مدرن

فاطمه مسلم زاده^۱

* نوع مقاله: ترویجی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۳

کدمقاله: JHVMN-۲۶۰۶-۱۳۸۴

چکیده

ابلاغ در اصطلاح حقوقی به معنای آگاه ساختن مخاطب از تصمیمات دادگاه، و فرآیند رسیدگی و وقایع حاصل در دعوی می‌باشد. هرچند که ابلاغ دارای تشریفات قانونی مشخصی بوده که باید رعایت گردند، اما هدف اصلی از ابلاغ آگاهی بخشی به مخاطب بوده و این شیوه‌ها و تشریفات، طریقت دارند نه موضوعیت. با این همه احراز ابلاغ و نحوه‌ی آن می‌تواند اهمیت بسیاری در حقوق مخاطب ابلاغ داشته باشد. بدین معنا که اگر احراز گردد ابلاغ به صورت واقعی صورت گرفته، اصولاً ادعای عدم اطلاع از مفاد آن پذیرفته نبوده و این امر برای مخاطب مسئولیت‌زا می‌باشد اما اگر ابلاغ به شکل قانونی باشد، می‌توان این عدم اطلاع را اثبات نموده و از مزایای آن بهره‌مند شد. شیوه‌ی احراز ابلاغ به شکل قدیمی و فیزیکی و شکل جدید و الکترونیکی آن با یکدیگر متفاوت بوده و آثار متفاوتی را نیز در بر دارد. در پژوهش حاضر، پس از تعریف ابلاغ، به بیان ویژگی‌ها و اصول مرتبط با آن پرداخته شده، انواع ابلاغ تبیین گردیده و نحوه‌ی احراز ابلاغ نیز شرح داده شده است. در انتها با بیان قواعد ابلاغ در هر یک از موارد مذکور، به بیان انتقاد و پیشنهاد در خصوص احراز ابلاغ در جهت دستیابی به دادرسی عادلانه پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: ابلاغ، ابلاغ قانونی، ابلاغ واقعی، احراز ابلاغ، مخاطب ابلاغ.

^۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
fatemeh.moslemzadeh@iau.ac.ir



مقدمه

می‌توان بیان نمود که غالب اقدامات و تصمیمات مراجع قضایی باید مبتنی بر ابلاغ به دو طرف دعوی، وکیل، شاهدان، کارشناسان و سایر اشخاص مرتبط باشد. بنابراین ابلاغ اوراق قضایی اهمیت بسیار زیادی دارد. تا جایی که در برخی از مواقع در صورت احراز عدم ابلاغ به مخاطب، عمل مذکور فاقد وجاهت قانونی بوده و اثری بر آن مترتب نمی‌باشد. ابلاغ در بسیاری از موارد نقش کلیدی در احقاق حق افراد و اجرای عدالت دارد. مثلاً در بسیاری از موارد، آغاز مهلت‌ها و مواعدی که مشتمل بر انجام اقدامی جهت احقاق حق می‌باشند، مبتنی بر ابلاغ صورت گرفته می‌باشد. از نمونه‌ی این موارد می‌توان به ابتدای مهلت تجدید نظر خواهی اشاره نمود. قانون آیین دادرسی مدنی نیز در این خصوص بیان می‌دارد: هیچ حکم یا قراری را نمی‌توان اجرا نمود مگر اینکه به صورت حضوری یا به صورت دادنامه یا رونوشت گواهی شده آن به طرفین یا وکیل آنان ابلاغ شده باشد. به همین دلیل ابلاغ اوراق قضایی، انواع این ابلاغ و طریقه‌ی احراز ابلاغ از اهمیت بسیاری برخوردار است. احراز ابلاغ نقش موثری در تحقق دادرسی عادلانه دارد. در مقاله‌ی حاضر، با تعریف مفهوم ابلاغ به بیان ویژگی‌های آن پرداخته خواهد شد. سپس انواع این ابلاغ مورد بررسی قرار گرفته و قواعد آن تبیین می‌گردد. در ادامه نیز به توجه به انواع یاد شده، به بیان شیوه‌ی احراز ابلاغ به صورت فیزیکی و الکترونیکی پرداخته می‌شود.

در انتها نیز با جمع بندی موارد مذکور، به بیان انتقادات و پیشنهاداتی در خصوص ابلاغ به شیوه‌ی قدیمی و جدید پرداخته خواهد شد.

۱- مفهوم‌شناسی

ابلاغ در لغت به معنای فرمان، دستور، پیام رسانی، رسانیدن، رساندن و فرگفت می‌باشد. (فرهنگ معین، ۱۳۸۷، ۲۴). همچنین در لغت‌نامه‌ی دهخدا ابلاغ به معنای گذاردن پیام، ایصال، انهاء و انذار نیز بیان گردیده است. (لغت نامه دهخدا، ج ۱، ۱۳۸۵، ۳۰). ابلاغ در اصطلاح به معنای رساندن خبر یا پیامی از سوی کسی به کس دیگر است بدین شکل که به وسیله‌ی این ابلاغ، گیرنده از مفاد خبر یا پیام مذکور مطلع گردد. در علم حقوق تشریفات معینی که برای رسیدن دادخواست و ضامیم آن به دست طرفین اختلاف و یا اطلاع از تصمیمات مرجع رسیدگی انجام می‌گردد، ابلاغ نام دارد. برخی از حقوقدانان بیان می‌دارند که ابلاغ در معنای حقوقی یعنی رساندن اوراق دعوی و اظهارنامه‌ها و اجراییه و احکام دادگاه به شخصی که هدف، آگاه نمودن او می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰، ج ۱، ۷۰) برخی دیگر نیز ابلاغ را در معنای آگاه ساختن مخاطب از مفاد اوراق قضایی، مطابق با تشریفات قانونی تبیین می‌نمایند. (شمس، ۱۳۹۴، ۸۰) گروه دیگری نیز ابلاغ را رساندن پیغام قضایی از طریق برگه‌هایی تحت عنوان اوراق قضایی تعریف نموده‌اند. (کریمی، ۱۳۹۷، ۱۰۰) یکی از مهم ترین ارکان

یک دادرسی عادلانه، تشریفات صحیح ابلاغ می‌باشد. زیرا اگر ابلاغ به درستی انجام نگیرد، طرفین از زمان و مکان جلسه‌ی رسیدگی به درستی اطلاع پیدا ننموده، امکان احقاق حق یا دفاع از خود در مقابل ادعاهای طرف مقابل را از دست داده و حقوق آنها تضییع خواهد شد.

۲- هدفمندی ابلاغ

هدف اصلی از انجام ابلاغ، اطلاع رسانی به مخاطب از تصمیمات دادگاه، زمان و مکان حضور در دادگاه، تشکیل جلسات دادرسی و سایر موضوعات مرتبط با دعوای طرفین می‌باشد. برای نیل بدین هدف، دادگاه دستوری در خصوص ابلاغ اوراق صادر کرده، سپس مدیر دفتر نسخه‌ای از دادخواست و پیوست‌های مرتبط با آن را در پرونده بایگانی کرده و نسخه دیگر آن را همراه با ضمائم و اخطار، برای ابلاغ و تسلیم به طرفین ارسال می‌کند. (بهرامی، ۱۳۸۸، ۱۷) ماده‌ی ۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص بیان می‌دارد: پس از دستور دادگاه دایر به ابلاغ اوراق دعوا، مدیر دفتر یک نسخه از دادخواست و پیوست‌های آن را در پرونده بایگانی می‌کند و نسخه دیگر را با ضمائم آن و اخطاریه جهت ابلاغ و تسلیم به خواننده ارسال می‌دارد.

۳- نقش مامور ابلاغ و بررسی مکان ابلاغ

مامور ابلاغ شخصی است که وظیفه‌ی رساندن اوراق قضایی به مخاطب را بر عهده داشته و باید در زمان و مکان مشخصی این اوراق را به دست مخاطب برساند. (کریمی، ۱۳۹۷، ۷) ماده‌ی ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص بیان می‌دارد: مامور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص خوانده تسلیم کند و در برگ دیگر اخطاریه رسید بگیرد. در صورت امتناع خوانده از گرفتن اوراق، امتناع او را در برگ اخطاریه قید و اعاده می‌نماید. تبصره ۱- ابلاغ اوراق در هریک از محل سکونت یا کار به عمل می‌آید. برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و موسسات مامور به خدمات عمومی و شرکت‌ها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد رئیس کارمند مربوط ارسال می‌شود. اشخاص یاد شده مسئول اجرای ابلاغ می‌باشند و باید حداکثر به مدت ده روز اوراق را اعاده نمایند، در غیر اینصورت به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم می‌گردند.

تبصره ۲- در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد ابلاغ اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل می‌آید. نکته‌ای که در این خصوص لازم به ذکر می‌باشد این است که در سال ۱۳۹۶ سامانه‌ی الکترونیک ابلاغ اوراق قضایی ایجاد شد که با نام سامانه ثنا شناخته می‌شود. با راه اندازی این سامانه ابلاغ به صورت کاغذی و فیزیکی تقریباً دیگر صورت نگرفته و هر فردی در هنگام طرح

دعوی یا شکایت باید در این سامانه ثبت نام نموده باشد. ابلاغ مطابق قانون می‌تواند در دو محل انجام گیرد. تبصره ۱ ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: ابلاغ اوراق در هریک از محل سکونت یا کار به عمل می‌آید. زمانی که ابلاغ به صورت فیزیکی صورت می‌پذیرفت، محل سکونت اشخاص یکی از محل‌هایی بود که مطابق قانون ابلاغ می‌توانست در آن صورت پذیرد. ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی بیان می‌دارد: اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب می‌شود. لذا اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آن‌ها خواهد بود. البته استثناهایی در این زمینه نیز وجود داشت. مثلاً با اینکه مطابق ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی: اقامتگاه زن شوهر دار همان اقامتگاه شوهر است. معذالک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده (جداگانه) اختیار کرده می‌تواند اقامتگاه شخصی علیحده (جداگانه) نیز داشته باشد. اما تبصره ۲ ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد ابلاغ اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل می‌آید. البته لازم به ذکر است که امروزه که ابلاغ به شیوه‌ی الکترونیکی و از طریق سامانه‌ی ثنا صورت می‌پذیرد، افراد می‌توانند هر آدرسی را به عنوان آدرس خود در سامانه‌ی ثنا ذکر

نمایند. اوراق و ابلاغیه‌ها نیز از طریق این سامانه قابل مشاهده است. محل دیگری که ابلاغ می‌تواند در آن صورت بگیرد، محل کار می‌باشد. تبصره ۱ ماده‌ی ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و موسسات مامور به خدمات عمومی و شرکت‌ها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد رئیس کارمند مربوط ارسال می‌شود. اشخاص یاد شده مسئول اجرای ابلاغ می‌باشند و باید حداکثر به مدت ده روز اوراق را اعاده نمایند، در غیر اینصورت به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم می‌گردند. نکته‌ای که در این میان قابل ذکر به نظر می‌رسد این است ابلاغ اوراق قضایی در خارج از کشور ایران، از طریق ماموران کنسولی ایران یا ماموران سیاسی صورت می‌پذیرد. این ماموران اوراق مذکور (به طور مثال دادخواست و ضامم آن را) را به وسیله‌ی ماموران سفارت یا از طریق هر ابزار ممکن برای خوانده ارسال داشته. این موضوع را از طریق وزارت امور خارجه به دادگاه ایران اطلاع می‌دهند. اگر در کشور محل اقامت خوانده، ماموران سیاسی یا کنسولی نباشد، وزارت امور خارجه از هر طریقی که مقتضی بداند این اقدام را انجام خواهد داد.



۴- بررسی انواع ابلاغ در آئین دادرسی مدنی ایران

۴-۱- ابلاغ واقعی

اگر برگه‌ی مورد نظر مطابق با تشریفات مشخص قانونی توسط مامور ابلاغ به دست خود شخص حقیقی یا اشخاص دارای صلاحیت در خصوص اشخاص حقوقی رسیده و مراتب گزارش شود؛ چنین ابلاغی واقعی می‌باشد. (شمس، ۱۳۹۴، ۸۰) برخی دیگر از حقوقدانان بیان میدارند که زمانی می‌توان یک ابلاغ را واقعی دانست که ماموری که صلاحیت ابلاغ را دارد، اوراق قضایی را به مخاطب حقیقی و شخص صلاحیت‌دار حقوقی رسانده و از او رسید دریافت نماید. (حیاتی، ۱۳۹۵، ۱۳۹) عده‌ی دیگری نیز بیان می‌دارند که ابلاغ واقعی یعنی رساندن اوراق قضایی به خواهان و خوانده یا محکوم له و محکوم علیه یا هر شخصی که هدف از ابلاغ، آگاهی بخشی به او است. (بهرانی، ۱۳۸۸، ۱۹۵) لازم به ذکر است که برای اینکه ابلاغ واقعی باشد نه تنها اوراق قضایی باید به خود مخاطب تسلیم شود بلکه باید این تسلیم در محلی صورت گیرد که در ورقه‌ی ابلاغ مشخص گردیده است. بدین معنا که اگر مامور ابلاغ، مخاطب ابلاغ را در محلی به جز محل مذکور مشاهده نموده و بخواهد اوراق را به وی تسلیم نماید و مخاطب اوراق را دریافت ننماید، مامور ابلاغ اجازه ندارد که چنین امری را امتناع از دریافت اوراق بیان نماید چون چنین ابلاغی، یک ابلاغ صحیح و مطابق قانون به شمار نمی‌آید. اما

اگر خود مخاطب ابلاغ بپذیرد که اوراق را در محلی به غیر از نشانی تعیین شده در ورقه‌ی ابلاغ از مامور ابلاغ بپذیرد، این ابلاغ صحیح بوده و واقعی محسوب می‌شود. ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: مامور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص خوانده تسلیم کند و در برگ دیگر اخطاریه رسید بگیرد. در صورت امتناع خوانده از گرفتن اوراق، امتناع او را در برگ اخطاریه قید و اعاده می‌نماید. اصل در ابلاغ واقعی این است که دادخواست و پیوست‌های آن باید ظرف دو روز از تاریخ وصول، توسط مامور ابلاغ به مخاطب ابلاغ شده و در ورقه‌ی دیگر رسید گرفته شده و مراتب گزارش شود. (فرحناکیان، ۱۳۹۴، ۲۵) در صورت عدم اقامت مخاطب در مقر دادگاه اوراق به وسیله‌ی ماموران نیروی انتظامی محل، بخشداری یا شورای اسلامی، با رعایت ترتیبات مندرج در قانون به مخاطب ابلاغ رسانده می‌شود. در صورت اقامت مخاطب ابلاغ در حوزه‌ی دادگاه دیگر، اوراق توسط دفتر دادگاهی که رسیدگی به دعوا را به عهده دارد، به دفتر دادگاه محل اقامت مخاطب به پیوست یک نامه فرستاده شده و درخواست می‌شود که ابلاغ توسط آن مرجع صورت پذیرد. دفتر دادگاه مرجع الیه نیز اوراق را از طریق مامور ابلاغ و مطابق تشریفات موجود، به مخاطب ابلاغ نموده و نسخه‌ی اول که دربردارنده‌ی گزارش مامور ابلاغ است را به دفتر دادگاه ارجاع دهنده باز می‌گرداند. (عمروانی، ۱۳۹۹، ۳۳)



در صورت زندانی یا بازداشت بودن مخاطب ابلاغ، اوراق از طریق اداره ی زندان، به مخاطب ابلاغ خواهد شد. ماده ی ۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص بیان می‌دارد: اگر خوانده در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشد دادخواست و ضامنه آن توسط دفتر آن دادگاه به هر وسیله ای که ممکن باشد ابلاغ می‌شود و اگر در محل اقامت خوانده دادگاهی نباشد توسط مامورین انتظامی یا بخشداری یا شورای اسلامی محل یا با پست سفارشی دو قبضه ابلاغ می‌شود. اشخاص یاد شده برابر مقررات، مسوول اجرای صحیح امر ابلاغ و اعاده اوراق خواهند بود. در صورتی که خوانده در بازداشتگاه یا زندان باشد، دادخواست و اوراق دعوا به وسیله اداره زندان به نامبرده ابلاغ خواهد شد. در صورت کارمند دولت بودن مخاطب ابلاغ، اگر مخاطب ابلاغ شخصی حقیقی اما کارمند دولت، موسسات مرتبط با خدمات عمومی و شرکت‌ها (به استثنای شرکت‌های خصوصی) باشد، در صورتی که ابلاغ در محل کار آنها صورت پذیرد، اوراق باید به قسمت کارگزینی بخش مربوطه یا نزد رئیس کارمند فرستاده شود. این اشخاص مطابق قانون مسئول اجرای امر ابلاغ بوده و در صورتی که مطابق تشریفات قانونی اوراق را به مخاطب تسلیم نمایند، ابلاغ صورت گرفته صحیح و واقعی تلقی می‌گردد. (عمروانی، ۱۳۹۹، ۳۵). مطابق ماده ی ۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی، در فرضی که مخاطب ابلاغ در خارج از کشور اقامت داشته باشد، ابلاغ باید توسط مامورین کنسولی یا سیاسی صورت پذیرد. این اوراق به وسیله ی مامورین سفارت یا از هر طریق دیگری که ممکن باشد به مخاطب ابلاغ شده و اگر این اوراق به شخص مخاطب تسلیم گشته و رسید دریافت شود، این ابلاغ واقعی به شمار می‌آید. در این حالت دفتر دادگاه نسخه اول اظهاریه را از طریق روابط عمومی دادگستری به وزارت امور خارجه می‌فرستد تا برای کنسولگری یا سفارتخانه ایران در کشور مربوط جهت ابلاغ فرستاده شود. پس از ابلاغ، مراتب نیز از طریق وزارت امور خارجه و روابط عمومی دادگستری همراه با نسخه ابلاغ شده برگ، به آگاهی دادگاه خواهد رسید. در کشورهایی که ایران مامور سیاسی و کنسولی ندارد، ابلاغ به هر گونه‌ای که وزارت امور خارجه شایسته بداند انجام می‌شود. چنانچه مخاطب مقیم خارج، از اتباع همان کشور خارجی یا سایر کشورها (غیر از ایران) باشد و کشور مزبور با کشور ایران قرارداد تعاون قضایی داشته باشد، ابلاغ توسط مامورین کشور خارجی انجام می‌شود. در این صورت نوع ابلاغ نیز مشمول مقررات کشور خارجی است.

مطابق ماده‌ی ۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر دعوی در خصوص ادارات دولتی یا سازمان‌های وابسته به دولت و یا موسساتی باشد که مأمور به خدمات عمومی هستند و یا شهرداری‌ها یا موسسات که کلیه یا قسمتی از سرمایه‌ی آنان به دولت تعلق دارد، اوراق باید به رئیس دفتر مخاطب یا قائم مقام وی ابلاغ گشته و در اولین نسخه رسید گرفته شود. اگر رئیس دفتر یا مقام مقام حاضر به دریافت اوراق نباشد، این موضوع در ورقه خطاریه نوشته شده و اوراق عودت داده می‌شوند. ان امتناع از دریافت اوراق و ندادن رسید، تخلف از انجام وظیفه به شمار آمده و توسط مدیر دفتر دادگاه به مراجع صالح گزارش شده و متخلف به مجازات مندرج در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم می‌گردد.

در خصوص اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، اوراق باید به مدیر، قائم مقام او یا دارنده‌ی حق امضا داده شود. در صورت عدم امکان نیز ابلاغ به مسئول دفتر صورت خواهد گرفت. ماده‌ی ۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص بیان می‌دارد: در دعاوی راجع به سایر اشخاص حقوقی دادخواست و ضامین آن به مدیر یا قائم مقام او یا دارنده حق امضاء و در صورت عدم امکان به مسوول دفتر موسسه با رعایت مقررات مواد (۶۸، ۶۹ و ۷۲) ابلاغ خواهد شد. تبصره ۱- در مورد این ماده هرگاه ابلاغ اوراق دعوا در محل تعیین شده ممکن نگردد، اوراق به ادرس آخرین محلی که به اداره ثبت شرکت‌ها معرفی

شده ابلاغ خواهد شد. تبصره ۲- در دعاوی مربوط به ورشکسته، دادخواست و ضامم آن به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه ابلاغ خواهد شد. تبصره ۳- در دعاوی مربوط به شرکت‌های منحل شده که دارای مدیر تصفیه نباشند، اوراق اخطاریه و ضامم آن به آخرین مدیر قبل از انحلال در آخرین محلی که به اداره ثبت شرکت‌ها معرفی شده است، ابلاغ خواهد شد. اگر شخص حقوقی که مخاطب ابلاغ بوده ورشکست شده باشد، در صورتی که امر ورشکستگی به عهده‌ی اداره‌ی امور تصفیه باشد، ابلاغ به اداره‌ی مذکور و در غیر اینصورت به مدیر تصفیه ابلاغ می‌گردد. اگر شرکتی منحل شده و مدیر تصفیه نداشته باشد، اوراق به آخرین مدیر قبل از انحلال و در آخرین محلی که به اداره‌ی ثبت شرکت‌ها معرفی شده، ابلاغ خواهد شد. در کلیه‌ی موارد مذکور، اگر اوراق به افراد مذکور تسلیم گردیده و رسید اخذ شود، ابلاغ صحیح و واقعی صورت پذیرفته است.

۴-۲- ابلاغ قانونی

در موارد بسیاری، مامور ابلاغ به نشانی مندرج در ورقه‌ی ابلاغ مراجعه نموده اما مخاطب در نشانی حضور ندارد. بنابراین اگر برگه‌های مورد نظر به دست خود شخص حقیقی یا اشخاص دارای صلاحیت در خصوص اشخاص حقوقی نرسیده و مطابق با تشریفات مشخص قانونی به افراد دیگری تحویل داده شود، این ابلاغ قانونی می‌باشد. ماده‌ی ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص بیان می‌دارد:

هرگاه مامور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خوانده برساند باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستگان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یاد شده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده اختاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده کند. همچنین در ماده‌ی ۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی ذکر گردیده: چنانچه خوانده یا هریک از اشخاص یاد شده در ماده قبل در محل نباشند یا از گرفتن برگ‌های اختاریه استنکاف کنند، مامور ابلاغ این موضوع را در نسخ اختاریه قید نموده نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می‌کند و برگ اول را با سایر اوراق دعوا عودت می‌دهد. در این صورت خوانده می‌تواند تا جلسه رسیدگی به دفتر دادگاه مراجعه و با دادن رسید، اوراق مربوط را دریافت نماید. ماده‌ی ۷۲ قانون مدنی نیز تصریح نموده: هرگاه معلوم شود محلی را که خواهان در دادخواست معین کرده است نشانی خوانده نبوده یا قبل از ابلاغ تغییر کرده باشد و مامور هم نتواند نشانی او را پیدا کند باید این نکته را در برگ دیگر اختاریه قید کند و ظرف دو روز اوراق را عودت دهد. در این صورت برابر ماده (۵۴) رفتار خواهد شد مگر در مواردی که اقامتگاه خوانده برابر ماده (۱۰۱۰) قانون مدنی تعیین شده باشد که در همان محل ابلاغ خواهد شد.



اگر مخاطب ابلاغ شخص حقیقی باشد و از دریافت اوراق امتناع نماید، مامور ابلاغ این موضوع را در نسخه‌ی اول ورقه‌ی ابلاغ درج نموده، نام و مشخصات خود به همراه تاریخ و محلی که اقدام به ابلاغ نموده را نوشته و اوراق را به دفتر دادگاه عودت می‌دهد. مطابق ماده‌ی ۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی، تاریخی که قید می‌شود؛ تاریخ ابلاغ به حساب می‌آید. لازم به ذکر است که در فرضی می‌توان چنین ابلاغی را صحیح تلقی نمود که اوراق در محلی که در آن درج شده به مخاطب ابلاغ ارائه گردد. بدین معنا که اگر مخاطب اوراق را در محلی به غیر از نشانی دریافت شده با میل خود، از مامور ابلاغ اخذ نماید، چنین ابلاغی را باید ابلاغ واقعی دانست نه قانونی. اما اگر در همین محل مخاطب از دریافت اوراق خودداری نماید، مامور ابلاغ اجازه ندارد امتناع وی از دریافت اوراق را گزارش نموده و ابلاغ را قانونی تلقی نماید. چنین اقدامی ابلاغ محسوب نشده و وجاهت قانونی ندارد. اگر مامور ابلاغ به محل تعیین شده مراجعه نموده اما مخاطب در محل حضور نداشته باشد، باید اوراق را در همان نشانی، به یکی از بستگان مخاطب که با وی درجه‌ی نسبی یا سببی تا درجه‌ی سوم از هر طبقه دارند یا یکی از خادمان وی تسلیم نماید. البته بدین شرط که از دیدگاه مامور ابلاغ، سن ظاهری و قابل تشخیص دریافت کننده‌ی اوراق، به گونه‌ای باشد که بتواند اهمیت این اوراق را تشخیص دهد. در خصوص این شرط باید بیان نمود که، سن واقعی شخص دریافت کننده‌ی اوراق مورد نظر نبوده و نیازی نیست

مامور ابلاغ آن را احراز نماید، اما باید مطابق ظاهر، وی در سنی باشد که اهمیت اوراق را درک نماید.

البته ادعای خلاف این امر مبنی بر اینکه دریافت کننده‌ی اوراق در سنی نبوده که توانایی تشخیص اوراق را داشته باشد، قابل اثبات می‌باشد. (توکلی، ۱۳۹۹، ۴۱) مطابق ماده‌ی ۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی، مامور ابلاغ باید مشخصات و ارتباط دریافت کننده‌ی اوراق با مخاطب ابلاغ را قید نماید. لازم به ذکر است که تحویل اوراق به خادمان یا بستگان مخاطب ابلاغ، در محلی به جز نشانی تعیین شده، صحیح نبوده و ابلاغ به شمار نمی‌آید. اگر بستگان یا خادمان مخاطب ابلاغ نیز در محل و نشانی تعیین شده حضور نداشته و یا از گرفتن اوراق امتناع نمایند، مامور ابلاغ مراتب را در نسخه‌ی اختاریه قید نموده و نسخه‌ی ثانی را در همان محل الصاق می‌کند. نسخه‌ی اول نیز همراه با گزارش قید شده، به دفتر دادگاه عودت داده می‌شود. در این حالت مخاطب ابلاغ می‌تواند به دفتر دادگاه مراجعه نموده و با دادن رسید اوراق را اخذ نماید. اگر مخاطب ابلاغ در محلی اقامت داشته باشد که در آن دادگاه وجود ندارد، اوراق به وسیله‌ی مامورین انتظامی و یا با پست سفارشی دو قبضه ابلاغ می‌گردند.

یکی از وظایف خواهان این است که در هنگام ثبت دادخواست، نشانی خوانده را ذکر نماید. اما در مواقعی خواهان اطلاعی از نشانی خوانده نداشته و نمی‌تواند اقامتگاه وی را معین نماید. قانون‌گذار در چنین حالتی مانع احقاق حق خواهان نشده و بیان می‌دارد که خواهان می‌تواند عدم اطلاع از نشانی



خوانده یا مجهول مکان بودن وی را به دفتر دادگاه بیان نموده و امر ابلاغ را از طریق درج آگهی در روزنامه انجام دهد. همچنین اگر خواهان نشانی خوانده را اعلام نماید اما خوانده در نشانی مذکور شناسایی نشود، و برای خواهان تعیین نشانی دقیق دیگری از خوانده امکان پذیر نباشد، اوراق مذکور باید به وسیله‌ی روزنامه ابلاغ گردد. ماده‌ی ۷۳ قانون آیین دادرسی در این خصوص بیان می‌دارد: در صورتی که خواهان نتواند نشانی خوانده را معین نماید یا در مورد ماده قبل پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام ناتوانی کند بنابه درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار به هزینه خواهان آگهی خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک ماه باشد. ماده‌ی ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: در دعاوی راجع به اهالی معین اعم از ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آنها غیرمحصور است علاوه بر آگهی مفاد دادخواست به شرح ماده قبل، یک نسخه از دادخواست به شخص یا اشخاصی که خواهان آنها را معارض خود معرفی می‌کند ابلاغ می‌شود. با توجه به اینکه برای واقعی تلقی نمودن ابلاغ، اوراق باید در نشانی تعیین شده و به شخص مخاطب ابلاغ تسلیم گردند، در ابلاغ نسبت به اشخاص غیر محصور، ابلاغ نسبت به افرادی که در آگهی قید می‌گردند را می‌توان ابلاغ قانونی دانست.



اگر رئیس دفتر یا قائم مقام وی از دریافت اوراق امتناع نماید، مامور ابلاغ باید این امر را در برگ اختطاریه درج نموده و اوراق را عودت دهد. با همین اقدام، ابلاغ صحیحا صورت گرفته و از نوع ابلاغ قانونی می باشد. الصاق اوراق در این فرض ضرورتی ندارد.

همانگونه که بیان گردید، ابلاغ در مورد اشخاص حقوقی حقوق خصوصی باید به مدیر، قائم مقام وی یا دارنده‌ی حق امضا و در صورت عدم امکان به مسئول دفتر صورت پذیرد. اگر مدیر یا قائم مقام یا دارنده‌ی حق امضا از اخذ اوراق خودداری نمایند، مامور ابلاغ مراتب را در اوراق قید نموده و آنها را عودت می‌دهد. در این حالت این ابلاغ قانونی به شمار می‌آید. اگر ابلاغ به مدیر یا قائم مقام یا دارنده‌ی حق امضا ممکن نبوده و مسئول دفتر نیز از دریافت اوراق امتناع نماید، مراتب در نسخ اططاریه قید شده و نسخه دوم به محل الصاق شده و ابلاغ قانونی تلقی می‌شود. همانگونه که بیان گردید، اگر شخص حقوقی که مخاطب ابلاغ بوده ورشکست شده باشد، در صورتی که امر ورشکستگی به عهده‌ی اداره‌ی امور تصفیه باشد، ابلاغ به اداره‌ی مذکور و در غیر اینصورت به مدیر تصفیه ابلاغ می‌گردد. اگر شرکتی منحل شده و مدیر تصفیه نداشته باشد، اوراق به آخرین مدیر قبل از انحلال و در آخرین محلی که به اداره‌ی ثبت شرکت‌ها معرفی شده، ابلاغ خواهد شد. حال اگر رئیس دفتر اداره تصفیه یا قائم مقام او یا مدیر تصفیه یا آخرین مدیر پیش از انحلال از دریافت اوراق امتناع نمایند، مامور ابلاغ

خودداری آنان را در برگ اخطاریه قید نموده و اوراق را به دفتر عودت می دهد و ابلاغ صورت گرفته قانونی تلقی می گردد.

۵- اوراق مشمول ابلاغ

الف. دادخواست و اخطاریه دعوت به جلسه رسیدگی

ب. اظهارنامه؛ ماده ۱۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می دارد:

هر کس می تواند قبل از تقدیم دادخواست، حق خود را به وسیله اظهارنامه از دیگری مطالبه نماید، مشروط بر اینکه موعد مطالبه رسیده باشد. به طور کلی هر کس حق دارد اظهاراتی را که راجع به معاملات و تعهدات خود با دیگری است و بخواهد به طور رسمی به وی برساند ضمن اظهارنامه به طرف ابلاغ نماید. اظهارنامه توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور یا دفاتر دادگاهها ابلاغ می شود. تبصره- اداره ثبت اسناد و دفتر دادگاهها می توانند از ابلاغ اظهارنامه هایی که حاوی مطالب خلاف اخلاق و خارج از نزاکت باشد خودداری نمایند:

- حضاریه گواهان

- دادنامه

• ابلاغ اجرائیه

۶- استثنائات ابلاغ

الف. ماده‌ی ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: هریک از اصحاب دعوا یا وکلای آنان می‌توانند محلی را برای ابلاغ اوراق اخطاریه و ضمائم آن در شهری که مقر دادگاه است انتخاب نموده، به دفتر دادگاه اعلام کنند در این صورت کلیه برگ‌های راجع به دعوا در محل تعیین شده ابلاغ می‌گردد.

ب. اقامتگاه زنانی که ازدواج کرده‌اند همان اقامتگاه شوهر و ابلاغ اوراق باید به آن محل ارسال شود ولی در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد ابلاغ اوراق در محل سکونت یا کار او به عمل می‌آید.

ج. اوراق دعاوی مربوط به شرکت‌های ورشکسته در حال تصفیه باید به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه ابلاغ شود.

د. ابلاغ اوراق به اشخاص صغیر و مجنون به ولی یا قیم آنان صورت می‌گیرد.

۷- احراز ابلاغ

باید بیان نمود که در مورد ابلاغ مسئله‌ای که حائز اهمیت است، احراز آگاه شدن و اطلاع رسانی به مخاطب می‌باشد نه نحوه‌ی این آگاه سازی. بدین معنا که ممکن است تشریفات ابلاغ نیز به درستی صورت نپذیرد، مانند اینکه اوراق به همسایه‌ی مخاطب ابلاغ تسلیم شده باشد، اما مخاطب ابلاغ به مفاد آن عمل نموده باشد. بدین معنا که اقدامی که در ابلاغ بیان گردیده بود را انجام دهد مثلاً در موعد مقرر در جلسه‌ی دادرسی حاضر گردد. در این حالت، مخاطب ابلاغ نمی‌تواند به اشکال در انجام تشریفات ابلاغ استناد نماید زیرا هدف اصلی که اطلاع مخاطب از ابلاغ بود محقق گردیده است. در واقع باید بیان نمود ابلاغ موضوعیت نداشته بلکه طریقت دارد. اما در مواقعی که مخاطب ابلاغ به مفاد ابلاغ عمل ننموده است، دادگاه باید بررسی نماید که تشریفات ابلاغ به چه صورتی انجام پذیرفته و احراز نماید که آیا ابلاغ به درستی صورت گرفته است یا خیر. احراز ابلاغ از جهات مختلفی مورد اهمیت می‌باشد. یکی از این موارد، تصمیم‌گیری در مورد عمل نمودن یا ننمودن مخاطب به مفاد اوراق ابلاغی است. به طور مثال در موردی که مخاطب در جلسه‌ی رسیدگی حاضر نشده، لایحه‌ی دفاعی نداده و وکیل هم معرفی ننماید، اگر احراز گردد که ابلاغ صورت گرفته به وی واقعی بوده است، رای صادره حضوری محسوب شده و در صورت وجود شرایط دیگر تنها قابل تجدید نظر خواهد

بود. اما اگر احراز گردد که ابلاغ به وی صحیحا صورت نگرفته یا ابلاغ صورت گرفته علی رغم اینکه واقعی تلقی شده، اوصاف ابلاغ قانونی را دارد، این رای علاوه بر تجدید نظر خواهی، قابلیت واخواهی را نیز دارا می‌باشد.

غالب حقوقدانان بر این باورند که اگر ابلاغ به صورت واقعی انجام شده باشد، هیچ عذری مبنی بر عدم اطلاع از مفاد ابلاغ از سوی مخاطب ابلاغ پذیرفته نمی‌باشد. (شمس، ۱۳۹۴، ۲۰۰) باید بیان نمود که با توجه به نوع اقدامی که مخاطب ابلاغ باید انجام دهد، عمل ننمودن به مفاد ابلاغ، وی را از حق اقدام محروم می‌گرداند. مثلاً مطابق ماده ی ۳۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی: مهلت درخواست تجدیدنظر اصحاب دعوا، برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دوماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت واخواهی است. حال اگر ابلاغ به صورت واقعی صورت گرفته و ولی دارنده‌ی حق تجدید نظر در مهلت مقرر اقدام به تجدید نظر خواهی ننماید، اصولاً حق خود مبنی بر تجدید نظر خواهی از رای را از دست می‌دهد. اما اگر احراز شود که ابلاغ دعوت به جلسات دادگاه که واقعی تلقی شده یا به طور قانونی صورت گرفته یا اصلاً به طور صحیح انجام نشده است، و به همین دلیل شخص در فرایند رسیدگی بدوی غایب باشد، و رای نیز به طور کلی یا جزیی بر علیه فرد باشد، تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می‌دارد: چنانچه ابلاغ واقعی به

شخص محکوم علیه میسر نباشد و ابلاغ قانونی به عمل آید، آن ابلاغ معتبر بوده و حکم غیابی پس از انقضای مهلت قانونی و قطعی شدن به موقع اجرای گذارده خواهد شد. در صورتی که حکم ابلاغ واقعی نشده باشد و محکوم علیه مدعی عدم اطلاع از مفاد رای باشد می تواند دادخواست وخواهی به دادگاه صادرکننده حکم غیابی تقدیم دارد. دادگاه بدوا خارج از نوبت در این مورد رسیدگی نموده قرار رد یا قبول دادخواست را صادر می کند. قرار قبول دادخواست مانع اجرای حکم خواهد بود. بنابراین مطابق نظر برخی از حقوقدانان محکوم علیه می تواند در هر زمانی حتی سال ها پس از صدور رای ثابت نماید که از روند رسیدگی مطلع نگردیده و به همین دلیل دادگاه وخواهی خارج از مهلت وی را پذیرفته و به این امر رسیدگی نماید. (افتخار جهرمی، ۱۳۹۴، ج ۲، ۷۳). غالب حقوقدانان بیان می دارند که اگر ابلاغ به صورت قانونی انجام گرفته باشد مانند اینکه اوراق به بستگان مخاطب ابلاغ تسلیم شده و یا در روزنامه آگهی شده باشد، مخاطب ابلاغ می تواند ادعا نماید که از مفاد ورقه ی ابلاغ اطلاع پیدا ننموده است. البته این امر نیازمند اثبات از سوی مخاطب ابلاغ بوده و می تواند از سوی دادگاه پذیرفته شده یا رد گردد. (شمس، ۱۳۹۴، ۲۰۰) اما برخی دیگر از حقوقدانان بر این باورند که در هر موردی به غیر از موردی که اوراق به خود مخاطب تسلیم شده، این وظیفه ی دادگاه است که ابلاغ را احراز نموده و بررسی نماید که آیا مخاطب ابلاغ از مفاد آن مطلع گشته یا خیر. اما می توان

عدم اعتراض مخاطب به تشریفات ابلاغ، حتی در صورتی که وی به مفاد آن عمل ننموده باشد را
اماره‌ای بر اطلاع او دانست. (افتخار جهرمی، ۱۳۹۴، ج ۲، ۷۳)

امروزه ابلاغ به شیوه‌ی پیشین انجام نگرفته و به صورت الکترونیکی صورت می‌پذیرد. ماده‌ی ۱۷۵
قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی،
از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع
پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضائی و همچنین نیابت قضائی با رعایت مقررات راجع به دادرسی
الکترونیکی بلامانع است. تبصره- شرایط و چگونگی استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی موضوع
این ماده بر اساس آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط
وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. همچنین مطابق ماده‌ی ۱۷۶
این قانون: قوه قضائیه می‌تواند ابلاغ اوراق قضائی را به بخش خصوصی واگذار کند. چگونگی اجرای
این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط
وزرای دادگستری و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد
آیین‌نامه‌ی مذکور با نام آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی در روز بیست
و چهارم مرداد ماه سال ۱۳۹۵ در ۳۲ ماده و ۱۹ تبصره به وسیله‌ی وزیر دادگستری و با همکاری

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه شده و تصویب ریاست قوه قضاییه رسید. به همین دلیل از سال ۱۳۹۵، خواهان یا وکیل وی برای اینکه بتواند دادخواست خود را ثبت نماید، ملزم به ثبت نام در سامانه‌ی ابلاغ الکترونیکی یا سامانه‌ی ثنا می‌باشد. در این شیوه‌ی جدید که ابلاغ اوراق قضایی از طریق سامانه صورت می‌گیرد، تقسیم بندی ابلاغ به واقعی و قانونی به شیوه‌ی سابق نمی‌باشد. ماده‌ی ۱۳ آیین نامه‌ی نحوه‌ی استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی بیان می‌دارد: وصول الکترونیکی اوراق قضایی به حساب کاربری مخاطب در سامانه ابلاغ، ابلاغ محسوب می‌شود. رؤیت اوراق قضایی در سامانه ابلاغ، با ثبت زمان و سایر جزئیات، ذخیره می‌شود و کلیه آثار ابلاغ واقعی بر آن مترتب می‌گردد. ورود به سامانه ابلاغ از طریق حساب کاربری و رؤیت اوراق از این طریق به منزله رسید است.

تبصره ۱- در ابلاغ الکترونیکی، مخاطب در صورتی می‌تواند اظهار بی‌اطلاعی کند که ثابت نماید به لحاظ عدم دسترسی یا نقص در سامانه رایانه‌ای و سامانه مخابراتی از مفاد ابلاغ مطلع نشده است.

تبصره ۲- خودداری از مراجعه به سامانه ابلاغ، به منزله استنکاف از قبول اوراق قضایی موضوع ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی محسوب می‌گردد.

تبصره ۳- در صورتی که دادخواست یا شکواییه به وسیله دفاتر خدمات الکترونیک قضایی ارسال نشده باشد، مراجعان موظفاند نسخه الکترونیکی شکواییه یا دادخواست و پیوست‌های آن را به واحد قضایی مربوط تسلیم کنند.

تبصره ۴- در صورتی که ارسال پیوست‌های ابلاغیه به صورت الکترونیکی ممکن نباشد، امر ابلاغ به وسیله ابلاغ نامه انجام می‌شود.

نکته‌ای که در این خصوص قابل توجه به نظر می‌رسد این است که ذکر ماده‌ی ۷۰ در این تبصره دارای اشکال است. چرا که ماده‌ی ۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی، ناظر به استنکاف بستگان یا خادم مخاطب از دریافت اوراق قضایی است و امتناع خود مخاطب مشمول ماده‌ی ۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد (ابهری، مقاله ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی؛ مزایا و معایب، ۱۳۹۷، ۶) لازم به ذکر است که کلیه‌ی اقدامات فرد در سامانه‌ی ثنا، اعم از مشاهده‌ی ابلاغیه‌ها و حتی تعداد دفعات مشاهده نیز توسط مدیر دفتر دادگاه قابل بررسی می‌باشد. اگر ابلاغیه در سامانه قرار گرفته و فرد از رویت آن امتناع ورزد، این ابلاغ قانونی محسوب شده و مطابق مواد مندرج در این خصوص می‌توان عدم اطلاع از مفاد آن را اثبات نمود. اما اگر مخاطب ابلاغیه را باز کرده و مشاهده نماید، این امر به منزله‌ی ابلاغ واقعی به اوست و اصولاً اثبات عدم اطلاع از مفاد آن امکان پذیر نمی‌باشد.

نتیجه گیری

ابلاغ به معنای تشریفات معینی که برای رسیدن دادخواست و ضمایم آن به دست طرفین اختلاف و یا اطلاع از تصمیمات مرجع رسیدگی انجام می گردد بوده و مشتمل بر دو نوع واقعی و قانونی می باشد. اگر برگه ای ابلاغ مطابق با تشریفات مشخص قانونی توسط مامور ابلاغ به دست خود شخص حقیقی یا اشخاص دارای صلاحیت در خصوص اشخاص حقوقی رسیده و مراتب گزارش شود؛ چنین ابلاغی واقعی می باشد. ابلاغ واقعی می تواند نسبت به شخص حقیقی یا شخص حقوقی صورت پذیرد. اصل در ابلاغ واقعی این است که دادخواست و پیوست های آن باید ظرف دو روز از تاریخ وصول، توسط مامور ابلاغ به مخاطب ابلاغ شده و در ورقه ای دیگر رسید گرفته شده و مراتب گزارش شود. اما استثنائاتی نیز در این خصوص ابلاغ واقعی به اشخاص حقیقی وجود دارد که از زمره ی آن می توان بدین موارد اشاره نمود: ۱. عدم اقامت مخاطب در مقر دادگاه ۲. اقامت مخاطب ابلاغ در حوزه ی دادگاه دیگر ۳. زندانی یا بازداشت بودن مخاطب ابلاغ ۴. کارمند دولت بودن مخاطب ابلاغ ۵. ابلاغ به اشخاص مقیم خارج از کشور. ابلاغ واقعی به اشخاص حقوقی نیز شامل موارد ذیل می باشد:

۱. ابلاغ به ادارات دولتی یا سازمان های وابسته به دولت و یا موسسات مأمور به خدمات عمومی یا شهرداری ها یا موسسات که کلیه یا قسمتی از سرمایه ی آنان به دولت تعلق دارد، که اوراق باید به رئیس دفتر مخاطب یا قائم مقام وی ابلاغ گردد.

۲. ابلاغ به اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، که در آن اوراق باید به مدیر، قائم مقام او یا دارنده ی حق امضا داده شود. در صورت عدم امکان نیز ابلاغ به مسئول دفتر صورت خواهد گرفت.

۳. ابلاغ به ورشکسته که در صورتی که امر ورشکستگی به عهده ی اداره ی امور تصفیه باشد، ابلاغ به اداره ی مذکور و در غیر این صورت به مدیر تصفیه صورت می پذیرد.

در خصوص ابلاغ قانونی نیز باید بیان نمود که اگر برگه های مورد نظر به دست خود شخص حقیقی یا اشخاص دارای صلاحیت در خصوص اشخاص حقوقی نرسیده و مطابق با تشریفات مشخص قانونی به افراد دیگری تحویل داده شود، این ابلاغ قانونی می باشد. ابلاغ قانونی نیز می تواند نسبت به اشخاص حقیقی یا حقوقی صورت پذیرد. از زمره موارد ابلاغ قانونی به اشخاص حقیقی می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. امتناع مخاطب از دریافت اوراق ۲. عدم حضور مخاطب در محل تعیین شده ۳. عدم حضور خادمان و بستگان یا امتناع آنها از دریافت اوراق ۴. اقامت مخاطب در محلی خارج از محل دادگاه ۵. مخاطب مجهول المکان ۶. ابلاغ نسبت به اشخاص غیرمحصور

در خصوص ابلاغ قانونی به اشخاص حقوقی نیز باید بیان نمود که اگر اشخاص واجد صلاحیت برای دریافت اوراق مذکور از دریافت آن خودداری نمایند، ابلاغ صورت گرفته، قانونی تلقی می‌گردد. در انتها باید بیان نمود که اهمیت امر ابلاغ بر هیچ کس پوشیده نیست. ابلاغ صحیح می‌تواند نقش مهمی در دستیابی به عدالت و تحقق دادرسی عادلانه ایفا نماید. دستیابی به این مهم نیازمند احراز ابلاغ به شیوه‌ای صحیح می‌باشد. لازم به ذکر است که با توجه به اینکه امروزه ابلاغ دیگر به صورت فیزیکی و کاغذی انجام نگرفته و به شیوه‌ی الکترونیکی انجام می‌پذیرد، شاید دیگر وجود مواد قانونی مرتبط با قواعد ابلاغ فیزیکی در قانون آیین دادرسی مدنی ضرورتی نداشته باشد. لذا با توجه به اینکه قانون باید به روز و بدون ابهام و راهگشا باشد، بهتر است قواعد مربوط به ابلاغ فیزیکی از قانون حذف شده و قواعد مرتبط با شیوه‌ی ابلاغ الکترونیکی جایگزین آن گردد. بالاخص اینکه احراز ابلاغ از چنان اهمیتی برخوردار است که در مواردی می‌تواند سرنوشت افراد را تغییر دهد.



منابع

۱. ابهری، حمید، (۱۳۹۱)، آیین دادرسی مدنی ۲، جریان دادرسی، از آغاز تا پایان، ج اول، انتشارات دانشگاه مازندران.
۲. افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات دوراندیشان، تهران.
۳. بهرامی، بهرام، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی مدنی ۱ و ۲، چاپ یازدهم، انتشارات نگاه بینه، تهران.
۴. توکلی، محمد مهدی، (۱۳۹۹)، آموزش جامع آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات مکتوب آخر، تهران.
۵. توکلی، محمد مهدی، (۱۳۹۹)، آموزش جامع آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات مکتوب آخر، تهران.
۶. جعفری لنگرودی، جعفر، (۱۴۰۰)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، چاپ هشتم، انتشارات گنج دانش، تهران.



۷. حیاتی، علی عباس، (۱۳۹۷)، آیین دادرسی مدنی در نظم کنونی حقوقی، چاپ ششم، انتشارات میزان، تهران.

۸. خلیل نژاد کیاسری، صابر، (۱۳۹۹)، قانون یار آیین دادرسی مدنی، چاپ سی و پنجم، انتشارات چتر دانش، تهران.

۹. رحمانی نیا، مهسا، (۱۴۰۰)، نظم آزمونی آیین دادرسی مدنی، انتشارات آریا داد، تهران.

۱۰. زراعت، عباس، (۱۳۸۴)، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم کنونی، جلد دوم، نشر خط سوم، تهران.

۱۱. شکری، مهدی، (۱۴۰۱)، شرح روان آیین دادرسی مدنی، چاپ پنجم، انتشارات دادستان

۱۲. شمس، عبدالله، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی مدنی: دوره پیشرفته؛ جلد ۱، چاپ ۳۵، نشر دراک، تهران.

۱۳. شمس، عبدالله، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی مدنی: دوره پیشرفته؛ جلد ۲، چاپ ۳۵، نشر دراک، تهران.

۱۴. صفری، مهری، (۱۳۹۴)، ابلاغ الکترونیکی، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، تهران.



-
۱۵. عمروانی، رحمان، (۱۳۹۹)، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، چاپ چهارم، انتشارات چتر دانش.
۱۶. فرحناکیان، فرشید، (۱۳۹۴)، ساده ساز آیین دادرسی مدنی، انتشارات میزان، تهران.
۱۷. کریمی، عباس، (۱۳۹۷)، آیین دادرسی مدنی، چاپ ششم، انتشارات مجد، تهران.
۱۸. محمدی، سام، (۱۴۰۰)، آیین دادرسی مدنی، دادرسی و واریسی، انتشارات مجد، تهران.
۱۹. ابهری، حمید، (۱۳۹۷)، ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی؛ مزایا و معایب، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۸، شماره ۳.
۲۰. زرکلام، ستار، (۱۳۹۱)، دادرسی‌های الکترونیکی، ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌ها، آموزه‌های حقوقی کیفی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳.
۲۱. محسنی، حسن و رضایی نژاد، همایون، (۱۳۹۱)، دادگستری و پیشرفت فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، مجله‌ی مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره چهارم، شماره ۲.

Verification of Service in Traditional and Modern Methods

Fatemeh Moslemzadeh^۱

Article Number: JHVMN-۲۶۰۶-۱۳۸۴

Abstract

In legal terminology, service means informing the addressee of court decisions, the judicial process, and the events that occur in a lawsuit. Although service is subject to specific legal formalities that must be observed, its main purpose is to inform the addressee; therefore, these methods and formalities are procedural rather than substantive in nature. Nevertheless, the verification of service and the manner in which it is carried out can be of great importance with respect to the rights of the recipient. In other words, if it is established that service has been effected personally, a claim of lack of knowledge of its contents is generally not accepted, and this may give rise to responsibility for the recipient. However, if service has been effected constructively, lack of knowledge may be proven and the recipient may benefit from the legal consequences thereof. The method of verifying service in the old, physical form differs from its new, electronic form, and these differences also entail distinct legal effects. In the present study, after defining service, the related characteristics and principles are discussed, the types of service are explained, and the manner of verifying service is also described. Finally, by setting out the rules of service in each of the aforementioned cases, criticisms and suggestions are presented regarding the verification of service with a view to achieving fair trial.

Keywords: service, constructive service, personal service, verification of service, recipient of service.

^۱ PhD Student in Criminal Law and Criminology, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Iran. (Corresponding Author) fatemeh.moslemzadeh@iau.ac.ir

